

Opportunities and Challenges of the Islamic Republic of Iran in the Future World and its Security Trends until 2025

Saman Heidari^۱

Hamid Hakim^۲

(Received: 04/22/2023 - Accepted: 06/05/2023)

Abstract

The writer in the present survey is after the probable opportunities recognition and challenges facing the Islamic Republic of Iran in two areas of the international system and energy security. The writer has considered energy security as the background of the formation process of the upcoming wars by the framework of the futurology concept and the emphasis of this survey is on the analysis of energy area and scenario-making in this field. The question of this essay is: what challenges and opportunities will the security trends of the world make for the Islamic Republic of Iran by the end of the year 2025? This essay hypothesizes that the security processes consider the future wars imaginable in the background of change in the international system and competition over the energy area. The methodology in this essay is descriptive-analytical using the library tool.

Keywords: Security trends, Iran, Future research, New world order, Energy security

^۱ PhD Student, Department of Public Policy, Tehran Center Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Saman_haydari@yahoo.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0002-5804-3276>

^۲ Assistant Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (ham_hakim@yahoo.com) **Corresponding Author**

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-1221-2791>

فرصت‌ها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در جهان آینده و روندهای امنیتی آن تا سال ۲۰۲۵

سامان حیدری^۱

حمید حکیم^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶)

چکیده

نویسنده در تحقیق حاضر به دنبال شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی فراروی جمهوری اسلامی ایران در دو حوزه تحولات نظام‌بین‌الملل و امنیت انرژی است. نگارنده بر اساس چارچوب مفهوم آینده‌پژوهی، امنیت انرژی را به‌عنوان بستر فرآیند شکل‌گیری جنگ‌های آینده دانسته و تأکید این تحقیق نیز بر بررسی حوزه انرژی و سناریوسازی در این زمینه است. سؤال اصلی مقاله این است که روندهای امنیتی جهان تا سال ۲۰۲۵ چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت؟ فرضیه مقاله این است که فرایندهای امنیتی، جنگ‌های آینده را در بستر تحول در نظام‌بین‌الملل و رقابت بر سر حوزه‌های انرژی قابل‌تصور می‌داند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: روندهای امنیتی، ایران، آینده‌پژوهی، نظم نوین جهانی، امنیت انرژی

۱. دکتری سیاست‌گذاری عمومی واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Saman_haydari@yahoo.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0002-5804-3276>

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (ham_hakim@yahoo.com) نویسنده

مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-1221-2791>

مقدمه

امروزه در عرصه تحولات جدید جهانی رشته مطالعات آینده باب جدیدی در احاطه بر موضوعات جدید جهانی پیش‌روی بشر قرار داده است. پایان جنگ سرد، تغییر در مرزهای سیاسی و اقتصادی، دستیابی بیشترین تعداد افراد کشورها به وسایل ارتباطی و اطلاعاتی جدید، تأثیر روزافزون علم و فناوری در شکل‌گیری آینده، پدید آمدن مسائل عظیم چندبعدی با وجود گوناگون علمی، اقتصادی، فن شناختی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که تشریک‌مساعی کشورهای متعددی را می‌طلبد، نقش محوری دانش و پژوهش برخی از مهم‌ترین مشخصه‌های نگاه به آینده است. موارد یادشده و مواردی دیگر از این قبیل نشان‌دهنده چندبعدی شدن حوزه‌های امنیت در جهان معاصر و اهمیت مطالعه آن‌ها جهت تدوین راهبردهایی برای آینده است. نگرانی انسان از آینده‌ای نامعلوم و همراه با ویژگی‌های خاص خود، ضرورت شناخت آینده و برنامه‌ریزی برای نحوه برخورد با آن را ایجاب می‌نماید. تدوین و ترسیم چشم‌اندازهای مختلف در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگ-اجتماعی می‌تواند کشورها را از وارد شدن به آینده‌ای مبهم و غیرقابل پیش‌بینی منع کند. کشورها معمولاً موضوعاتی مثل مباحث امنیتی را به شکلی جدی‌تر پیگیری می‌کنند. تحولات امنیتی جهان معاصر بعد از دهه ۹۰ در بعد ساختار نظام‌بین‌الملل و تحول در ماهیت مباحث امنیتی و کمرنگ شدن مرزبندی‌های سنتی باعث گردیده که این حوزه همواره مورد توجه تئوریسین‌ها و سیاستمداران کشورها باشد. به همین خاطر ضرورت توجه به بررسی روندهای جهانی امنیت به‌عنوان یک موضوع مهم برای این نوشتار انتخاب گردید. موضوعی که در دل آن به مهم‌ترین روندهای امنیتی جهان معاصر یعنی تحولات آینده نظام‌بین‌الملل، امنیت انرژی و ماهیت جنگ‌های آینده اشاره می‌گردد. هدف از توجه به چنین روندهایی ترسیم چشم‌انداز امنیتی آینده و برنامه‌ریزی‌های استراتژیک برای

مقابله با چالش‌های احتمالی و تقویت نقاط مثبت برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که در کانون این تحولات است، تلقی می‌شود. در اینجا، ارتباط مباحث آینده‌پژوهی و روندهای امنیت جهانی کمک می‌کند که درک بهتری از شناخت این روندها و ارتباط آن با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حاصل گردد. اطلاع نسبی از آنچه ممکن است در آینده اتفاق افتد و وقوع آن محتمل است، در فضای فعلی حاکم بر تحولات عرصه جهانی، ضروری به نظر می‌رسد. این شناخت به برنامه ریزان و نظریه‌پردازان کمک می‌کند تا در عرصه‌های مختلف با اطمینان خاطر برنامه‌ریزی نمایند.

چارچوب نظری

بدیهی است یکی از ابزارهای مهم در فرآیند تصمیم‌گیری و انجام امور، مقوله آینده‌پژوهی است که اگرچه هنوز با معضلات و چالش‌های نظری و روشی قابل توجهی روبروست. باوجوداین، کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای درحال توسعه به اهمیت و ضرورت والای آن پی برده و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در این حوزه نموده‌اند. بر اساس اهمیتی که بحث آینده‌پژوهی در چارچوب تحقیقی فوق دارد، در اینجا عمده‌ترین مباحث مربوط به این حوزه نوپا در جهان معاصر به شرح زیر موردبررسی قرار می‌گیرد؛ مبانی نظری آینده‌پژوهی، مروری بر تاریخچه آینده‌پژوهی، تعریف و تبیین آینده‌پژوهی؛ ضرورت و اهداف آن، روش‌های آینده‌پژوهی، بررسی جایگاه علم آینده‌پژوهی در ایران و مروری بر تجارب آینده‌پژوهی که در دو بعد آینده‌پژوهی‌های ملی و بین‌المللی موردبررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری آینده‌پژوهی

اغلب نظریه‌هایی که در باب مطالعات آینده موردبررسی قرار گرفته است، عمدتاً برگرفته از مفهوم «تصویر آینده» (پولاک) است که یکی از اساسی‌ترین

مفاهیم در باب مطالعات آینده تلقی می‌گردد. پولاک تلاش می‌کند سؤال مهمی مطرح نماید تحت این عنوان که آیا تصویر مثبت یک ملت از آینده، نتیجه موفقیت آن ملت است یا موفقیت یک ملت، نتیجه تصویر مثبت آن ملت از آینده است. پولاک پس از بررسی سیر پیشرفت تمدن‌های کهن مانند ایران باستان، اقوام و ادیان مانند یهود، همچنین نقاط عطف تاریخ مانند نوزایی، عصر روشنگری و انقلاب صنعتی نتیجه می‌گیرد که تصاویر آینده و چشم‌اندازهای الهام‌بخش مقدم بر موفقیت‌های جمعی اولویت دارد. از نظر پولاک جوامع موفق، آرمان و رؤیا را به چیزی مهم‌تر و قوی‌تر به نام «بینش» تبدیل کرده‌اند، که البته این بینش‌های مهم نیز مقدمه موفقیت‌های مهم است. وی همچنین نقش نخبگان را هم در اینجا مدنظر قرار می‌دهد. وی با تأکید بر نقش نخبگان معتقد است که ابتدا رهبران پنداره محکمی از آینده نشان می‌دادند، جوامع این پنداره را می‌پذیرفتند و از آن حمایت می‌کردند و با همکاری آن پنداره را تحقق می‌بخشیدند (Polak, 1961: 161). آینده‌پژوهان با بهره‌گیری از این مفهوم، یک حکم نظری کلی صادر می‌کنند مبنی بر اینکه تصاویر آینده به اقدامات فردی و گروهی شکل می‌دهند. از نظر آینده‌پژوهان اگرچه ممکن است گذشته، حال را به‌نوعی مشروط و مقید نماید، اما تصورات جامعه از آینده خود نیز می‌تواند سبب شکل گرفتن حال باشد؛ زیرا این تصویرهای آینده به اقدامات ما در زمان حال جهت می‌دهد و متقابلاً وضع موجود و اقدامات کنونی، دوره آینده را پدید می‌آورند. زمانی که افراد جامعه توانایی به تصویر کشیدن نقش اجتماعی خویش در آینده را داشته باشند، آرا، عقاید، ارزش‌ها و رفتارهایی که چنین تصویری را ساخته، بر زمان حال تأثیر می‌گذارد و به آن جهت می‌دهد (Cornish, 1997: 31-38). از جمله دیگر مبانی نظری در حوزه آینده‌پژوهی، «عدم قطعیت» آینده است. آینده به مقطعی از زمان اشاره می‌کند که هنوز فرارنسیده و وجود ندارد. در واقع، جهان آینده هدف اقدامات کنونی ماست. این نوع انعطاف‌پذیری آینده از یک‌سو، پیش‌بینی آن را دشوارتر می‌سازد و از

سوئی، اهمیت مطالعه آن را بیشتر می‌کند. مهم‌ترین جنبه آینده‌پژوهی از حیث روش، به دست آوردن احتمالات متناظر برای سناریوهای گوناگون و محتمل است. چنین فرضیه‌ای این حقیقت را تصدیق می‌نماید که آینده، پیشاپیش و به صورت غیرقابل اجتناب بر انسان‌ها تحمیل نشده است. در واقع، کثیر بودن آینده و دامنه آزادی عمل انسان‌ها، یکدیگر را تبیین می‌کنند. آینده نوشته نشده است، بلکه در معرض آن است که ایجاد شود (Cornish, 1997: 31-38). از دیگر اصول اساسی و مشترک در تمام اندیشه‌های آینده‌پژوهانه این است که کل جهان هستی یکپارچه است. «تأکید بر ارتباط متقابل همه چیز در جهان» از جمله انسان و نیز پافشاری بر عدم امکان درک کامل هر موجودیت منفرد، بدون توجه به جایگاه آن در کل هستی، مفاهیم اساسی آینده‌پژوهی امروز را تشکیل می‌دهند. در این دیدگاه و تفکر کل‌گرا، انسان مثل همه کائنات، بخشی از هستی را تشکیل می‌دهد و موجودیت تک‌تک افراد بشر و امدار عملکرد کل کیهان بوده و نمی‌تواند از آن جدا باشد. وحدت هستی، با تکیه بر وحدت در زمان و فضا، به این معنا اشاره دارد که جهان آینده از درون جهان حال ایجاد می‌گردد (گوده، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۷).

مروری بر تاریخچه آینده‌پژوهی

نخستین کوشش‌های کلاسیک مطالعات آینده‌پژوهی در غرب و در اواسط قرن بیستم بروز و ظهور یافت. شاکله این مطالعات بر عنصر «پیش‌بینی» متمرکز بوده و توجه اصلی آن بر شناخت رویدادها و حوادث احتمالی در جنگ‌ها معطوف می‌گردید؛ اما بعدها دامنه این مطالعات به حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و... تسری پیدا نمود. مطالعات مهم در حوزه آینده‌پژوهی از دهه ۱۹۶۰ به بعد شکل گرفت (Rescher, 1998: 78). دهه معروف ۱۹۶۰، دهه پیدایش سازمان‌های آینده‌پژوهی در گوشه و کنار جهان بود. در این سال‌ها هم‌زمان با پیدایش این سازمان‌ها کتاب‌های مقدماتی خوبی در این موضوع

پدید آمد. همچون کتاب «مدخلی بر هنر و علم شناخت و شکل‌دهی به جهان فردا» که کتابی کلاسیک است و هنوز هم در دسترس بوده و آن را رئیس انجمن علمی آینده‌پژوهی «ادوارد کورنیش» ویرایش کرده است. این کتاب با همکاری گسترده اعضا و کارکنان انجمن جهانی آینده‌پژوهی نوشته شده و شکل تکامل یافته «پروژه گسترده فهرست منابع برای قرن سوم امریکا» است (موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۳). سال ۱۹۶۷ شاهد اولین اجلاس جهانی آینده‌پژوهی بود که در اسلو برگزار شد. این اجلاس و شرکت‌کنندگان آن به‌عنوان منبعی برای تعریف کتاب «بشریت در سال ۲۰۰۰» مورد استفاده قرار گرفت. پس‌از این مقطع، انبوهی از کانون‌های تفکر طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی شکل گرفتند که دگرگونی‌های شگرف کنونی و تقاضای فراوان پیامدهای آن‌ها و نیز اهمیت حیاتی تحلیل و پیش‌بینی روندهای آتی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع خرده‌نظام‌های زیرین آن‌ها از عوامل و متغیرهای بنیادین در به وجود آمدن آن‌ها به شمار می‌آیند. پس‌از این سال‌ها، در دهه ۹۰ افرادی همچون «ریک اسلاتر»؛ (بنیان‌گذار مرکز آینده‌پژوهی استرالیا) و «رولف کریبج» (نویسنده کتاب آینده‌پژوهی و سیاست) نقش عمده‌ای در مطالعات آینده‌پژوهی ایفا کردند. در پایان این سال‌ها و آغاز قرن بیست‌ویک باید از نویسندگانی مانند «یونجی ماسودا» (استاد ژاپنی علوم اطلاعات) و «پاول کندی» (استاد تاریخ و نویسنده کتاب آمادگی برای قرن بیست‌ویک) نام برد. در واقع، باید اذعان داشت که در قرن اخیر اکثر نویسندگان توانسته‌اند با تبیین اصول و موضوعات این علم راهی نو در برابر آینده‌پژوهان در آینده بگستراند (موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۳). در سال ۱۹۹۹ طرحی بی‌سابقه از سوی فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی به اجرا درآمد و طی آن از گروهی از اندیشمندان فعال در عرصه آینده‌پژوهی دعوت شد تا افزون بر تعریف استانداردهای حرفه‌ای آینده‌پژوهی، مشخص کنند چه کسانی را می‌توان آمده پژوه نامد. از آن

هنگام بیش از ۱۰ سال می‌گذرد و تاکنون تلاش‌های موردی و پراکنده دیگری برای تدوین ارزش‌های مشترک میان آینده‌پژوهان صورت گرفته است. بخشی از این تلاش‌ها در قالب انتشار بیانیه‌ها و مرامنامه‌های مؤسسات آینده‌اندیشی و کانون‌های تفکر آینده‌گرا بازتاب یافته است. همچنین فهرست‌هایی تکمیلی از کار آینده‌پژوهان پیشگام برای تدوین استانداردهای حرفه‌ای در همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی آینده‌پژوهی انتشار یافته است. باین‌حال، هنوز پروتکلی بین‌المللی برای آینده‌پژوهی تدوین نشده است و در صورت تدوین نیز ارجاع جهانی چشمگیری نسبت به آن صورت نگرفته است. تنظیم چنین پروتکلی می‌تواند افزون بر ساماندهی دغدغه‌های آینده‌پژوهان در سراسر جهان، مبنایی برای استانداردسازی فعالیت‌هایی باشد که در حوزه آینده‌پژوهی و آینده‌اندیشی صورت می‌گیرد (Rescher, 1998: 78).

تعریف و تبیین آینده‌پژوهی؛ ضرورت و اهداف آن

مفهوم آینده‌پژوهی

لغت آینده، در آینده‌پژوهی به صورت جمع آورده شده است (Futures Studies) که نشانگر این است که یک آینده مقدری وجود ندارد که وقوع آن تقدیر شده باشد. در واقع، آینده‌های جایگزین ممکن و مختلفی وجود دارند. از این رو، آینده مشخص را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. شاید به همین علت مانند یک علم هنوز جایگاه چندانی ندارد. از دید اصطلاح‌شناسی، عموماً، سه واژه مختلف در مقوله آموزش درباره این مفهوم به کار می‌رود که عبارت است از:

الف: آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی فرآیند مطالعه و بررسی آینده‌های محتمل از طریق روش‌های علمی است. در این فرآیند مراحل مختلفی مدنظر قرار می‌گیرد که عبارت است از: شناخت تغییر، نقد و تحلیل آن، ترسیم آینده‌های مختلف و محتمل، ترسیم آینده مطلوب و درنهایت برنامه‌ریزی و تعیین راهبردهای

رسیدن به هدف مطلوب

ب: آموزش آینده: آموزش آینده به واژه کلی‌تری که شامل نه فقط توجه به آینده‌پژوهی بلکه رویکردی به خود آموزش نیز دارد؛ مانند تشخیص نیاز یک موسسه آموزشی به بعدی از ابعاد آینده در میان برنامه درسی خود.

ج: آموزش برای آینده: این نوع آموزش چیزی است که مؤسسات آموزشی مستقیم یا غیرمستقیم درگیر آن هستند و بیشتر در مورد آن صحبت شده است (اسلاتر، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۳). اما از دید مفهومی مهم‌ترین واژگانی که در حوزه مطالعات آینده به کار می‌رود عبارت‌اند از:

الف - آینده‌شناسی به قلمرو مفهومی عام و گسترده‌ای اشاره دارد که به معنای تصور آینده از طریق مطالعه، تحقیق و یا تصویرپردازی است. چنین نگرشی می‌تواند با بهره‌گیری از روش‌های علمی، انگاره‌های دینی و یا شهود معنایی حاصل گردد. واضح است که نگرش و رویکرد فرد آینده‌نگر، بر اساس بنیادهای معرفتی و شناختی او می‌تواند رویکرد و نگرشی الهی و مبتنی بر انگاره‌های معنوی بوده و یا آنکه مطلقاً جنبه مادی داشته باشد.

ب - پیش‌بینی دربرگیرنده بیان قطعی و مسلم حدوث و قیامی در آینده است که اصولاً مبنای علمی قابل قبولی ندارد. به‌طور کلی، پیش‌گویی به دوشاخه تقسیم می‌گردد: بیاناتی که اساس آن‌ها را دستاوردهای متافیزیکی تشکیل داده و در وحی و معنویت ریشه دارند و بر این اساس دارای پشتوانه استدلالی عقلی هستند. و شاخه دوم دربرگیرنده گفته‌ها و بیاناتی است که صرفاً دارای بنیان‌های مادی و دنیوی بوده و بیشتر بر آموزه‌ها و باورهای خرافی تأکید دارند (اسلاتر، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۵).

ج - پیش‌گویی: بر اساس آنچه از این مفهوم برداشت می‌گردد، اطلاعات و داده‌های برآمده از دوره‌های زمانی گذشته و حال مبنای بررسی و ارزیابی سیر روندهای آینده و حدوث احتمالی آن‌ها قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌توان ادعان نمود که پیش‌بینی حدس و گمانی علمی درباره ادامه روند متغیرهای

خاص در آینده است که معمولاً دانشمندان آن را با درصدی از خطا می‌پذیرند.
د- آینده‌پژوهی: دربرگیرنده فرایند مطالعه و بررسی آینده‌های محتمل منطبق با روش‌های علمی است. این فرآیند مراحل مهمی را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: شناخت تغییر، نقد و ارزیابی آن، ترسیم آینده‌های متعدد و محتمل، ترسیم آینده مطلوب و بالاخره برنامه‌ریزی و تعیین راهبردهای نیل به آینده محتمل و مطلوب (اسلاتر، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۵).

به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی فرایند معرفی مجموعه‌ای از چشم‌اندازها و راه‌های ممکن است که آینده می‌تواند از طریق آن‌ها ساخته شود و درک مناسب این چشم‌اندازها، تصمیم‌گیری درباره اینکه امروز چه تصمیماتی را می‌توان برای ساختن فردایی بهتر اتخاذ کرد تسهیل می‌کند. آینده‌اندیشی یا آینده‌پژوهی یک روش ساختاریافته تفکر درباره آینده و برنامه‌ریزی برای آن است (پایا و راغفر، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۱). در تعریف دیگری آینده‌پژوهی عبارت است از فرآیند تلاش برای پیش‌بینی حوادث و روندهای آینده، از طریق مطالعه و مقایسه وضعیت موجود و رویه تاریخی است (www.wyrdology.com). در یک تعریف جامع‌تر آینده‌پژوهی را می‌توان به صورت تلاشی نظام‌مند تعریف نمود که تلاش می‌کند کم و کیف تغییرات یا عدم تغییرات کنونی و تأثیر آن‌ها را در ایجاد واقعیت‌های آینده مشخص نماید و به دنبال آن است که منبع، الگوها و دلایل تغییر و ثبات را در جهت استحکام پیش‌بینی و ترسیم آینده‌های بدیل مورد توجه و تبیین قرار دهد. آنچه آینده‌پژوهان به ما می‌گویند این است که چه رویدادهایی در آینده امکان وقوع دارند؟ چه گزینه‌هایی به صورت احتمالی فراروی ما خواهند بود و آینده یا آینده‌های مطلوب کدامند (Bell, 1998: 45). «دانیل بل» بر این باور است که آنچه نقش آینده‌پژوهی را از سایر رشته‌ها متمایز می‌گرداند، «تفکر احتمالی» است به‌ویژه برای کشف یا نوآوری، ارزیابی و طراحی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب. تافلر هم تلاش آینده‌پژوهان را در جهت ایجاد تصاویر جدیدی از آینده، تشریح عمیق امکان، ارزیابی منظم و

منسجم احتمال و بررسی اخلاقی مطلوب مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Bell, 1998: 45).

امروزه آینده‌پژوهی به یک حوزه پژوهشی مستقل تبدیل شده است. آینده‌پژوهی به‌عنوان یک مقوله میان‌رشته‌ای به دنبال کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و به‌کارگیری آن در زمان حال است. هدف آینده‌پژوهی تولید روشمند دانش راهنما و استفاده بیشتر از ملاحظات آینده محور در فرآیند تصمیم‌گیری است (میچیچ، ۱۳۸۷: ۹).

ضرورت آینده‌پژوهی

تمایل روزافزون به جهانی‌شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از تغییرات آینده را برای دولت‌ها، کسب‌وکارها، سازمان‌ها و مردم ایجاب می‌کند. به هر ترتیب سرعت تغییرات آن‌چنان سرسام‌آور است که دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی با آن‌ها کنار آمد. در این بین دانشی متولد می‌شود که سعی می‌کند با پیش‌بینی عوامل مؤثر در تغییرات آینده به صورتی دوگانه، هم مهار تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده نماید. آینده‌پژوهی فراتر از پیش‌بینی است و ادعای پیش‌گویی هم ندارد. آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. آینده‌پژوهی از این منظر دانش شناخت تغییرات است، شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم موردنیاز هر ملتی است (موسسه آینده‌پژوهان، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۲). آینده‌پژوهی نیازهای اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌ها و حکومت‌ها را تأمین می‌کند. آینده‌پژوهان باید تغییرات ممکن را در آینده‌ای درازمدت درک کنند و پاسخ مناسب به آن بدهند. آن‌ها تغییرات را برحسب سناریوها یا تجزیه و تحلیل گرایش‌ها در درازمدت توصیف می‌کنند. آن‌ها مشتری‌هایشان را با بینش دادن، برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت مسائل و تغییر سازمان کمک می‌کنند. از آنجا که سرعت تغییر افزایش یافته است و پیامد تصمیمات چند برابر می‌شود، افراد و سازمان‌های بیشتری نیاز به یک

نموداری از آینده برای بقا و موفقیت خود دارند (Rescher, 1998: 92). یادگیری و آموزش دادن درباره آینده مبنای اساسی برای ساختن جهانی بهتر را تأمین می‌کند. ما نمی‌توانیم بدون توجه به یادگیری وسیع و تحولات توسط افراد در اطراف واکتاف جهان به آینده مثبت دست‌یابیم (www.ru.org/future-studies).

اهداف مطالعات آینده‌پژوهی

عمده‌ترین هدف مطالعات آینده‌پژوهی، حفظ و گسترش ابزارهای رفاه و امنیت انسان‌ها و فراهم نمودن زمینه‌های ادامه حیات بشریت است. آینده‌پژوهان این هدف را مشخصاً با کاوش‌های منظم که به‌منظور کشف انتخاب‌های مختلف برای آینده صورت می‌گیرد، دنبال می‌کنند. آنان به تفکر معطوف به آینده می‌پردازند و می‌کوشند تا تصویرهای بدیل نوینی در ارتباط با آینده ارائه نمایند. به‌طورکلی آینده‌پژوهان می‌کوشند تا اهداف و ارزش‌ها را تعیین کرده، روندها را توصیف نموده، شرایط و اوضاع و احوال را تبیین نمایند و تصاویر مختلفی از آینده، به دست دهند و سیاست‌های بدیل را ابداع، ارزیابی و گزینش نمایند (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۱). برای مطالعات آینده‌پژوهی اهداف مختلفی ذکر نموده‌اند که برخی از آن‌ها به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

- ۱- تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولاتی که در آینده اتفاق می‌افتد و بر اساس آینده‌شناسی قابل پیش‌بینی هستند.
- ۲- شناخت و درک صحیح از مسائل نوظهور و جدید و نحوه برخورد و با مقابله با آن‌ها.
- ۳- انجام برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت و پیشگیری از نتایج زیان‌بار رویدادهای پیش‌بینی‌نشده (مرادی، ۱۳۸۶: ۴۶).
- ۴- مطالعه و بررسی در مورد رشد فناوری در آینده و بهره‌گیری از آن‌ها به‌منظور دستیابی به مرزهای دانش و هدایت این دانش در جهت انجام تحقیقات بنیادی.

- ۵ - جهت‌دهی به فناوری‌های آینده به‌منظور دستیابی به اهداف ملی و کلان کشور
- ۶- پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته آینده.
- ۷- پذیرش و درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق و ایجاد آینده در جهان برتر.
- ۸- پدید آوردن نگرشی سامانمند و منظم و منطقی به تحولات آتی که در زندگی انسان‌ها اثر مستقیم دارد (Slaughter, 1996: 102).

بررسی جایگاه علم آینده‌پژوهی در ایران

تبیین علمی آینده‌پژوهی در ایران از دو جنبه همواره موردنظر بوده است: نخست از منظر علمی، تا بر پایه معرفت و شناخت حاصل از آن بتوان آینده الهام بخشی را معماری و مهندسی نمود و در نتیجه آن آینده بخش‌های مختلف جامعه را تضمین کرد. دوم از منظر دینی است تا بر پایه آن آینده جهان را با نگاه به باورها و ارزش‌های اسلامی به تصویر کشیده و قادر به مهندسی آن در سطح عالی‌تری باشیم. در سال ۱۳۲۷ ایران وارد مرحله‌ای شد که به برنامه‌ریزی نیاز مبرمی داشت. به گفته «بایزید مردوخی»، کارشناس ارشد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، اولین برنامه عمرانی هفت‌ساله تدوین و شروع شد. یعنی برای اولین بار ایران به‌جای آن‌که صرفاً برای یک روز، یک ماه یا یک سال فکر کنند، به این فکر افتاد که برای هفت سال فکر کند. اما این کار آینده‌نگری نبود. اولین آینده‌پژوهی ایران توسط «مجید تهرانیان» به روش دلفی در طرح رادیو و تلویزیون انجام شد. او از صاحب‌نظران مختلف کمک گرفت و آینده جامعه ایرانی را مورد پرسش قرارداد. کار دیگر در سال ۱۳۷۵ انجام شد که به‌صورت پیوست شماره ۱۱ نشریه «برنامه‌بودجه» منتشر شد و متدلوژی آینده‌نگری را برای اولین بار وارد ادبیات رسمی برنامه‌ریزی کشور کرد و پیشنهادهایی ارائه داد که از آن جمله تأسیس مرکزی برای مطالعات آینده‌نگری

در ایران بود. کار دیگر، ایران ۱۴۰۰ بود که به‌طور موازی دو گروه در سازمان برنامه، روی آن کار کردند که یکی تحت عنوان اقتصاد بدون نفت و دیگری به‌عنوان «شجره طیبه» تدوین شد (www.irftt.ir). توجه محققان و متفکران کشور به موضوع آینده‌پژوهی به‌طور جدی از حدود یک دهه پیش آغاز شده است، اما باید پذیرفت که این دانش به دلیل عدم آشنایی و مساعدت مسئولان و فقدان زیرساخت‌های فکری - فرهنگی مورد نیاز، هنوز به شکلی شایسته و مطلوب در کشور نهادینه نشده است تاکنون سازمان‌های مختلف خصوصی و دولتی در کشور اقدام به فعالیت در حوزه آینده‌پژوهی نموده‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «اندیشکده صنعت و فناوری» (اصف)، «مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی»، «مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور» و «موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی» اشاره نمود. این مجموعه با یاری یکدیگر اقدام به شکل‌دهی انجمن آینده‌نگری ایران نیز نموده‌اند. به‌منظور شکوفایی و توسعه کشور لازم است سازوکاری برای طراحی، مهندسی و تضمین موفقیت آرمان‌های باعظمت ایرانی و اسلامی ایجاد گردد. یکی از این سازوکارها به توصیه متخصصان آینده‌پژوهی ایجاد یک اندیشگاه ملی آینده‌پژوهی است. این اندیشگاه در صورتی که محور فعالیت شبکه عظیمی از اندیشگاه‌های بخشی و سازمانی باشد یک بازوی تفکری برای نظام جمهوری اسلامی به دنبال خواهد داشت. این شبکه که مجموعه‌ای از مهارت و تخصص‌های فکری است، بستری برای تبادل آرا میان اندیشمندان، تحلیل وضعیت جامعه در سطوح مختلف و جهت‌دهی ظرفیت‌های ملی در مسیر شکل بخشیدن به تحقق توسعه همه‌جانبه کشور است. بدون تردید تحقق این آرمان‌ها، کشور را از ابتکار عمل در سطح بین‌الملل برخوردار کرده و توجه جامعه جهانی را به قدرت ایران اسلامی بیشتر معطوف خواهد نمود (www.irna.ir).

آنچه در اینجا، آینده‌پژوهی برای ما انجام می‌دهد این است که پیش از اینکه یک رویداد یا یک سناریو به واقعیت تبدیل گردد به آن واکنش نشان دهیم.

درواقع آینده‌نگری تلاشی سامانمند برای بررسی درازمدت آینده علم، فناوری، اقتصاد، فرهنگ و جامعه به‌منظور شناسایی پدیده‌های نوظهور و حوزه‌های زیربنایی تحقیقات استراتژیک است که بیشترین منافع اجتماعی و اقتصادی را در برداشته باشد. بنابراین در جهان امروز آینده‌پژوهی یک ضرورت است که پیش‌بینی می‌گردد در هزاره سوم زمینه برای مطالعات آینده‌پژوهانه به‌سرعت افزایش یابد. به‌تازگی آموزش آینده‌پژوهی به‌عنوان یک‌رشته دانشگاهی نیز در کشور ما آغاز شده است. در شرایط فعلی این رشته در سطح دکتری در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین آموزش داده می‌شود و چندین دانشگاه دیگر هم در شرف اخذ مجوز برای راه‌اندازی این رشته هستند. صرف‌نظر از محاسن طبیعی و ذلتی راه‌اندازی این‌گونه دوره‌های دانشگاهی، بازبینی حرکت‌های شتاب‌زده‌ای که تاکنون در این مسیر صورت گرفته، می‌تواند روشنگر برخی از کمبودها و معایبی باشد که دوری از آن‌ها بالندگی و توسعه این دانش را دوچندان خواهد کرد. پیش از هر چیز یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که راه‌اندازی این رشته دانشگاهی در مقطع تحصیلی دکترا پیش از زمینه‌سازی برای آن در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، باوجود آنکه نشانه‌ای از اهتمام متصدیان برگزاری چنین دوره‌هایی به سطوح تخصصی بود، به‌نوبه خود بیانگر عدم توجه کافی به توسعه زیرساخت‌های ضروری آینده‌پژوهی در نظام دانشگاهی کشور بوده است. به نظر نگارنده این نوشتار به‌رغم این تلاش‌های ارزشمند، آینده‌پژوهی به‌عنوان یک دانش راهبردی که از آن به‌عنوان عامل دانش کلیدی موفقیت جوامع در قرن بیست و یکم یاد می‌شود، آن‌چنان در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته است؛ غیربومی بودن این رشته و عدم وجود نیروهای متخصص، بی‌توجهی و نگرش سطحی به آینده‌پژوهی، فقدان بستر مناسب جهت فعالیت پژوهشگران و توسعه این حوزه، فقر منابع و ضعف ادبیات نظری، سیاسی نگری و بخشی نگری مسئولین به آینده‌پژوهی که بیشتر مبتنی بر سلايق و منافع آن‌هاست تا واقعیت‌ها و

نیازمندی‌های موجود، همگی از جمله عواملی است که باعث گردیده علم آینده‌پژوهی در ایران و کاربردی نمودن آن با موانع و چالش‌های عمده‌ای مواجه باشد.

ایران و ساختار نظام بین‌الملل

قبل از انقلاب، ایران مثل سایر کشورهای منطقه تحت تأثیر چهار مؤلفه مذکور به شکل متحد ایالات متحده آمریکا درآمده و از سوی دیگر در دسته‌بندی‌های منطقه‌ای داخل بلوک محافظه‌کار قرار گرفت. با سرنگونی رژیم پهلوی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران ساختار نظام دوقطبی و جنگ سرد همچنان باقی بود. بر اساس چارچوب نظری والتز و نقش تعیین‌کننده ساختار نظام بین‌الملل بر رفتار و عملکرد کشورها قاعدتاً می‌بایست شاهد تغییر در رویکرد جمهوری اسلامی هم باشیم، اما چنین اتفاقی نیفتاد و اتخاذ سیاست نه شرقی نه غربی از سوی جمهوری اسلامی ایران به‌نوعی دربرگیرنده نقد جدی ساختارهای بین‌المللی حاکم بود. خروج ایران در ۲۲ اسفند ۵۷ از عضویت در سازمان پیمان مرکزی (سنسو) و همچنین خروج از پیمان دفاعی ایران و ایالات متحده از جمله اقدامات ایران در راستای نقد هنجارهای حاکم بر عرصه نظام دوقطبی بود. در این مقطع، شرایط خودیاری‌ای که ساختار نظام دوقطبی ایجاد کرده بود، مستلزم آن بود که کشورها در منطقه‌ای مثل خاورمیانه در یکی از بلوک متحدان آمریکا یا متحدان شوروی درآیند. اما جمهوری اسلامی ایران با اعلام سیاست نه شرقی نه غربی برای حفظ استقلال و آزادی عمل خویش در نظام بین‌الملل تلاش می‌کرد. با پایان نظام دوقطبی و فروپاشی شوروی، موجبات تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم گردید، در دوره جنگ سرد، ساختار نظام دوقطبی تا حدی منعطف‌تر از گذشته بود و رقابت جدی میان دو ابرقدرت به‌ویژه در منطقه خاورمیانه وجود نداشت و در نتیجه سیاست خارجی ج.ا.ا مبتنی بر اتفاق باقدرت‌ها نبود. اما در مقطع بعد

از جنگ سرد، آغاز نظام بین‌الملل جدید موجب تغییر در سیاست خارجی ج.ا. گردید. بر اساس مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی ساختاری شرایط خودیاری جدیدی که در اثر ظهور ساختار تک‌قطبی یا چندقطبی معطوف به تک‌قطبی به وجود آمده بود، باعث گردید تا جمهوری اسلامی ایران در رفتار خارجی خود تغییر ایجاد کرده و به‌جای اتخاذ سیاست خارجی کناره‌گیری مبتنی بر نه شرقی نه غربی به سیاست اتفاق یا اتحاد روی آورد. اگرچه همچنان سیاست خصومت‌آمیز نسبت به ایالات متحده و نقد هنجارهای ناعادلانه حاکم بر عرصه نظام بین‌الملل وجود داشت؛ اما جمهوری اسلامی تلاش کرد جهت پیشبرد سیاست خارجی مقابله‌گرایانه خویش به‌نوعی همکاری استراتژیک با قدرت‌های رقیب آمریکا به‌ویژه روسیه را ارتقاء بخشد. یکی از دلایل اصلی تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پیدایی شرایط جدید خودیاری‌ای بود که در اثر ظهور ساختار جدید نظام بین‌الملل یعنی ساختار تک‌قطبی ایجاد گشت. نظام تک‌قطبی در حال ظهور به رهبری آمریکا دولت‌ها را مجبور می‌ساخت در صورت نیاز به تضمین امنیت خود، ناچار دست به دامن تک‌قطب گردند. این موضوع در منطقه خاورمیانه و در میان کشورهای کوچک اتفاق افتاد و این کشورها همه تلاش خود را صرف جلب حمایت تک‌قطب می‌کردند. در مقطع کنونی نیز سیاست‌های تک‌قطبی در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران با محوریت کشورهای غربی نیز با مؤلفه تهدید و فشار به‌ویژه در ارتباط با برنامه هسته‌ای در جریان است. جمهوری اسلامی ایران همچنان به اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی علیرغم کارشکنی‌های بین‌المللی ادامه می‌دهد. روندهای امنیتی جهان آینده که در این تحقیق مورد اشاره قرار می‌گیرد، در بخشی از گزارش خود این‌گونه به وضعیت آینده جمهوری اسلامی ایران اشاره داشته است: کشورهایی هستند که اکثریت آن را مسلمان تشکیل می‌دهند اما خارج از هسته عربی قرار گرفته‌اند و به نظر آمادگی کامل برای ارتقای نقش‌های بین‌المللی را دارند. سیاست اقتصاد کلان ترقی‌آور اجازه پرورش

یافتن نهادهای اقتصادی را می‌دهد با نگاهی به ایران که کشوری غنی از گاز طبیعی و دیگر منابع است و سرمایه انسانی زیادی دارد، اصلاحات اقتصادی در کنار شرایط سرمایه‌گذاری باثبات می‌تواند به‌طور اساسی هم دیدگاه جهان نسبت به این کشور و هم نگاهی که ایرانیان به خود دارند را به‌طور اساسی از نو ترسیم کند. تحت این شرایط، تجدید حیات اقتصادی می‌تواند به‌سرعت در ایران اتفاق بیفتد. سه کشور روسیه، ایران و قطر بیش از ۷۵ درصد ذخایر گاز طبیعی را در جهان در اختیار دارند. با در نظر گرفتن نفت و گاز طبیعی باهم، دو کشور ایران و روسیه به‌عنوان کشورهای انرژی مهم پدیدار می‌شوند. به‌واسطه قیمت‌های بالا، صادرکنندگان عمده از جمله ایران و روسیه منابع مالی را برای افزایش قدرت ملی خود خواهند داشت. میزان و چگونگی گام‌های ایران و روسیه برای افزایش قدرتشان بستگی به نحوه استفاده آن‌ها از سودهای به‌دست‌آمده برای سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه انسانی، تثبیت اقتصادی و ساختارهای اقتصادی خواهد داشت. با اینکه با توجه به مؤلفه افزایش جمعیت، هیچ کشوری نمی‌تواند با تأثیر فزاینده کشورهای پرجمعیتی مانند چین و هند برابری کند اما کشورهای دیگری مانند ایران، اندونزی و ترکیه که از لحاظ اقتصادی در شرایط بالقوه بالایی قرار دارند نیز می‌توانند نقش‌های مهم فزاینده‌ای در صحنه جهانی و به‌ویژه برای ایجاد الگوهای جدید در جهان اسلام ایفا کنند. با توجه به آنچه گفته شد کشورهایی که از منابع قابل توجهی از انرژی برخوردارند همواره از مراکز مهم تأثیرگذار بر روند تحولات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی محسوب می‌شوند. ایران با دارا بودن دومین منابع نفت و گاز جهان از این حیث دارای جایگاه ویژه‌ای است. اهمیت ژئواستراتژیک ایران با توجه به‌قرار گرفتن آن بین دو حوزه نفت‌خیز خلیج فارس و دریای مازندران بر اهمیت این موضوع در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست بین‌الملل و به‌تبع آن سیاست خارجی کشورمان می‌افزاید. تنظیم این فصل با توجه به اینکه یکی از فرایندهای احتمالی منجر به وقوع جنگ‌ها و منازعات آینده محسوب می‌شود،

در دل نظریه مکتب کپنهاک به عنوان چارچوب نظری این نوشتار مطرح می‌گردد.

امنیت انرژی

واژه «امنیت انرژی» به عرضه مداوم و مطمئن، قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی بازمی‌گردد. افرادی که این واژه را به کار می‌گیرند به دنبال این هستند که تهدیدات ژئوپلیتیک، اقتصادی، فنی، زیست‌محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را به حداقل برسانند. اما هدف از کاربرد این واژه توسط سیاستمداران دربرگیرنده این موضوع است که اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد؛ ثانیاً این منابع به لحاظ منطقه جغرافیایی و همچنین مسیرهای انتقال دارای تنوع و گوناگونی باشند؛ و ثالثاً جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تأمین گردند که در درازمدت باثبات باشند. اما اهمیت امنیت انرژی برای تولیدکنندگان از آن جهت است که آن‌ها به یک بازار مداوم و همراه با رشد منطقی در آینده دسترسی داشته باشند، زیرا اکثر تولیدکنندگان نفت از گروه اقتصادهای تک‌محصولی هستند که عمدتاً به فروش نفت وابسته‌اند و هرگونه احتمال کم شدن تقاضا با توجه کشورهای توسعه‌یافته به انرژی‌های جایگزین و یا ترجیح آنان در تأمین امنیت نفت و گاز از کشورهای غیر اوپک به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این کشورها محسوب می‌گردد (مختاری و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۰۱). به نظر می‌رسد به‌طور فزاینده‌ای با توجه به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی بحث‌های گسترده‌ای در مورد چگونگی مدیریت نمودن وابستگی به منابع انرژی‌های وارداتی و بخصوص برای گاز طبیعی مطرح می‌گردد. بر این اساس امنیت انرژی برای ژاپن به معنی متوازن ساختن کمبود شدید منابع داخلی‌اش به‌واسطه متنوع کردن تجارت و سرمایه‌گذاری است. برای روسیه هدف، کنترل کردن مجدد دولت بر منابع استراتژیک و به دست آوردن تفوق بر خطوط لوله و

مجاری بازاری عمده، به خاطر اینکه منابع هیدروکربنی خود را به بازارهای جهانی عرضه دارد، مبتنی است (Dannreuther, 2003: 14). اما در خصوص کشورهای درحال توسعه مساله مورد توجه، چگونگی تغییرات در قیمت‌های انرژی است که بر توازن پرداخت‌های آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود. همچنین در خصوص چین و هند امنیت انرژی در توانایی آن‌ها در تعدیل سریع و تنظیم وابستگی جدیدشان به بازارهای جهانی مبتنی است. کمیسیون اروپایی، امنیت انرژی را به‌عنوان «توانایی مطمئن شدن از نیازهای آینده انرژی، هم در بخش استفاده از منابع داخلی در چارچوب ضوابط اقتصادی و یا ذخایر استراتژیک و هم در بخش خارجی به‌صورت دسترسی به مبادی عرضه باثبات» می‌داند (Dannreuther, 2003: 14). امنیت انرژی امروزه به‌عنوان یک مفهوم پیچیده مطرح می‌گردد و این پیچیدگی عمدتاً ناشی از این است که موضوع انرژی درجایی بین ژئوپلیتیک و اقتصاد قرارگرفته است و بر این اساس، پاسخ‌های گوناگونی به این موضوع داده‌شده است. از سویی مفهومی است که از یک‌سو تحت تأثیر روندهای یکپارچه‌کننده جهانی شدن قرارگرفته است، که تمایل به این وجود دارد که انرژی و امنیت آن همچون سایر کالاها و خدمات اقتصادی در چارچوب بازار جهانی قرار داده شود و از حساسیت و بعد استراتژیک آن کاسته شود و از سوی دیگر انرژی در بازی جهانی قدرت، معادلات امنیتی و نیز رقابت قدرت‌های بزرگ نقش اساسی ایفا می‌کند که برخلاف روندهای همگراکننده جهانی، با تأکید بر نگرش‌های ملی امنیتی، انرژی را به‌عنوان عنصری تلقی می‌کنند که تنها از لحاظ اقتصادی دارای اهمیت نیست (www.cst.ir). علاوه بر آنچه گفته شد بهای بالای تأمین انرژی، نگرانی‌های جهانی را در خصوص توانایی کشورهای دنیا برای تأمین نیازهای این منبع مهم حیاتی افزایش داده است. در چند سال گذشته توجه جدی به نقش تعیین‌کننده انرژی در اقتصاد جهانی و ملی شده است. افزایش میزان تقاضای جهانی نفت، نگرانی‌ها در خصوص بسندگی، قابل‌اطمینان بودن و بهای تأمین

انرژی، میزان الزامات زیست‌محیطی در استفاده فزاینده از سوخت‌های فسیلی، بهای تأمین انرژی برای اقتصادهای توسعه‌یافته و درحال توسعه گردش‌های تجارت سرمایه و ژئوپلیتیک جهانی از جمله موضوعاتی هستند که ذهن تاجران بین‌المللی و کشورهای جهان را به خود معطوف داشته است. افزایش نگرانی‌ها در خصوص توانایی مداوم برای تضمین تأمین انرژی از یک فهرست طولانی مناطق دسترسی ناپذیر، پرخطر یا نامطمئن جهانی، سیاست‌گذاران را بر آن داشته است که بار دیگر موضوعات ضرورت و دسترسی به استقلال انرژی را در جهان به‌طور جدی مطرح نمایند (رواستر و لائو، ۱۳۸۶: ۲۴).

امنیت انرژی و امنیت بین‌الملل

وابستگی متقابل امنیت انرژی همواره به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائلی راهبردی جهان مطرح بوده است. ما در این حوزه شاهد شکل‌گیری دو محور رقابتی بوده‌ایم. از سوی کشورهای صنعتی و مصرف‌کننده انرژی هیچ‌گاه به اجماع و توافق قابل‌توجهی در مورد مباحث مربوط به امنیت انرژی دست نیافته‌اند و از سوی دیگر کشورهای تولیدکننده و شرکت‌های بزرگ نفتی در مسائلی چون کنترل بازارهای فروش انرژی، کسب سهم بیشتر در فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و تولید نفت و گاز در سطح جهان، کاهش هزینه‌های تولید و رشد بازدهی با یکدیگر رقابت می‌کنند. اما همیشه این‌گونه رقابت‌ها نمی‌تواند خط‌مشی اصلی کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده انرژی باشد. وابستگی کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده در تأمین امنیت انرژی به یکدیگر باعث شده که ضرورت اتخاذ رویکردی واحد و مشترک حاکم بر این حوزه پیش آید. اهمیت موضوع از آنجاست که کشورهای تولیدکننده انرژی عمدتاً کشورهای رشد یافته از نظر اقتصادی نیستند که بتوانند هدایت‌کننده یک اقتصاد کارا و مکمل باشند بلکه قسمت اعظم بودجه عمومی این کشورها در گرو ثبات اقتصادی حاکم بر عرصه اقتصاد جهان است و هرگونه تحول در عرصه اقتصاد

جهانی می‌تواند سریعاً بر حوزه‌های قیمت‌گذاری و تنظیم بازار تأثیرگذار باشد. بنابراین امنیت ملی این کشورها از مؤلفه‌هایی در خارج از مرزها هم تأثیر می‌پذیرد. در طرف مقابل نیاز شدید کشورهای صنعتی به انرژی با توجه به چشم‌انداز نیاز آنان در آینده به انرژی و همچنین تثبیت اهمیت انرژی‌های فسیلی به دلیل عدم جایگزینی مناسب برای آن باعث تکمیل پروسه وابستگی متقابل در حوزه امنیت انرژی گردیده است. بر این اساس، تمام کشورها بدون شک بر سر این موضوع اجماع دارند که پیش‌بینی و اقدامات مختلف برای خنثی نمودن و مقابله با ناامنی‌های جهانی انرژی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. همچنین موضوعی که امروز تحت عنوان تفاوت در تعریف امنیت انرژی به‌عنوان مساله مطرح می‌گردد و باعث ایجاد شکاف بین کشورهای صادرکننده و واردکننده عمده انرژی شده است، پیگیری امنیت انرژی توسط یک کشور را به‌ضرورت، ترکیبی از ملاحظات سیاسی، امنیتی نظامی و اقتصادی مبدل ساخته است که ضرورت توجه به حل چنین مساله مهمی از سوی کشورها توجه به همکاری و هم‌فکری‌های بین‌المللی را بیش‌ازپیش برجسته می‌سازد. از منظر دیپلماسی انرژی، ارتقای سطح امنیت یک ملت در گرو امنیت همه ملت‌هاست. این دیدگاه درصدد درک مناسبات انرژی به‌مثابه یک سازوکاری یکپارچه است که امنیت آن از طریق همکاری همه‌جانبه صادرکنندگان و واردکنندگان بر اساس بازی برد - برد قابل‌تصور است. در این زمینه ذکر این نکته ضروری است که مشکلاتی نظیر موانع سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز، توسعه فنی، شفافیت بازار و تقویت سرمایه انسانی ازجمله مشکلات مشترک میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی محسوب می‌گردد. به نظر می‌رسد در حاکم شدن چنین فضایی، همکاری میان کشورها مهم‌ترین عامل تضمین‌کننده حوزه‌های مختلف امنیت انرژی باشد. تعاملات سیاسی مثبت بر اساس احترام و اعتماد متقابل میان کشورهای دارنده منابع انرژی و کشورهای توسعه‌یافته و صاحب سرمایه هم نقش قابل توجهی در ثبات و تقویت امنیت

انرژی جهان و متعاقب آن امنیت بین‌المللی خواهد داشت.

حوزه امنیت انرژی؛ تحولات و دگرگونی‌ها

باگذشت زمان مفهوم امنیت انرژی هم دچار تحول شده است. در دهه ۱۹۵۰ آنچه در خصوص امنیت انرژی از اهمیت بیشتری برخوردار بود، ضرورت حفاظت از عرضه انرژی در زمان جنگ و لزوم قرار گرفتن آن در دسترس مصرف‌کنندگان به‌ویژه قدرت‌های بزرگ بود. اما در دوران جنگ سرد سیاست انرژی تنها دربرگیرنده حوزه صرف نظامی نبود و مبادلات و تجارت انرژی نقش قابل‌توجهی در اقتصاد بسیاری از کشورهای صنعتی پیدا کرد طوری که در این مقطع از انرژی به‌عنوان موتور توسعه کشورهای بزرگ صنعتی یاد می‌شد. بر این اساس، اگر دو حوزه عرضه انرژی و شوک‌های قیمت با مشکلات مواجه شده و بر کارایی و کارکرد اقتصادی واردکنندگان اصلی نفت و گاز تأثیر فراوان می‌گذاشت، به دنبال آن بحران‌ها و مشکلات اقتصاد جهانی بر تولیدکنندگان انرژی نیز بسیار مؤثر بود. به‌عنوان مثال، بحران‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ که رشد تولید ناخالص داخلی اکثر کشورهای غربی را کاهش داد به‌نوعی موجب افزایش نرخ تورم شده و باعث ایجاد رکود اقتصادی در میان این کشورها گردید. همان‌طور که اشاره گردید اهمیت انرژی به‌اندازه‌ای بود که از آن تحت عنوان موتور توسعه کشورهای بزرگ صنعتی یاد می‌شد. این میزان اهمیت باعث گردید که انرژی فراتر از مرزهای داخلی به مقوله‌ای فرامرزی و جهانی تبدیل گردد. در دوران پس از جنگ سرد با گسترش روندهای جهانی‌شدن، بر اهمیت انرژی افزوده شد. عدم تناسب روزافزون میان تولید و مصرف انرژی در سطح بین‌المللی، امنیت انرژی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های اساسی اهمیت بین‌الملل مطرح نمود. اهمیت این موضوع به‌اندازه‌ای است که برخی از کارشناسان حوزه انرژی بر این باورند که بازی تازه‌ای تحت عنوان بازی نفت و گاز در جهان مطرح شده که با بازی‌های نفتی گذشته، همسان

نیست. مهم‌ترین ویژگی‌های این فضای بازی جدید بدین شرح است:
- تحول و دگرگونی کانون‌های مصرف به سمت کشورهای رو به توسعه مثل چین و هند

- افزایش چشمگیر تقاضای جهانی انرژی
- نگهداری سهم نفت و گاز در سبد انرژی جهانی و افزایش حجم بازرگانی این دو کالا

- کاهش میزان تولید نفت و گاز در کشورهای مصرف‌کننده
- کشف و پیدایی جغرافیایی نفت و گاز تازه در جهان در راستای عربستان - خزر - سبیری و کانادا

ویژگی‌های مذکور هم‌زمان با تحول در شیوه‌های تصمیم‌گیری در حوزه انرژی ایجاد شده است. مهم‌ترین این تحولات عبارت‌اند از:

- آزادسازی و خصوصی‌سازی بازارهای انرژی در بسیاری از مناطق جهان، سیاست‌گذاری انرژی به‌ویژه سیاست‌های امنیتی که به‌طور سنتی از سوی دولت‌ها پیگیری می‌شد را ناممکن ساخته است. به‌عبارتی دیگر دولت‌ها در فضای جدید به دنبال راهکارهای تأمین انرژی خود در فضایی هستند که سهم قابل توجهی از بازار آزادسازی شده و دیگر در انحصار دولت‌ها قرار ندارد.
- وجود تحولات قابل توجه در سامانه تک‌قطبی به دلیل توسعه اقتصادی کشورهای پرجمعیتی همچون چین، هند و برزیل و افزایش نقش این کشورها در سامانه تصمیم‌گیری جهانی، طوری که برخی این دوره را دوره «فرا زورمندی» نام نهاده‌اند.

- افزایش نگرانی‌های زیست‌محیطی در جهان تقاضا برای برآوردن این هدف‌ها را نیز در مناطق گوناگون به شدت افزایش داده است. پس از نشست ریو، همه کشورها به‌ویژه کشورهای اروپایی پذیرفتند که در سیاست‌های دولتی خود به پایداری سامانه انرژی و کاهش پخش کربن، نگاه ویژه داشته باشند. با توجه به سهم قابل توجه سوخت‌های فسیلی در آلودگی‌های زیست‌محیطی و باقی ماندن

این سوخت‌ها در دو دهه آتی، توجه جدی به این رویه سیاست‌گذاری انرژی امری بسیار ضروری به نظر می‌رسد و سیاست‌گذاران انرژی که هدف‌های اقتصادی یا امنیتی را دنبال می‌نمایند، می‌بایست تلاش جدی در راستای سازگاری سیاست‌های خود با این هدف‌ها را مورد توجه داشته باشند.

- تحول و دگرگونی در سبک زندگی کشورهای پرجمعیتی مانند هند و چین بر اثر توسعه اقتصادی باعث گرایش الگوی زندگی این کشورها به سوی الگوی مصرفی نوین به دلیل افزایش درآمد سرانه شده است. این موضوع باعث دگرگونی سامانه توزیع درآمد و نابرابری‌های جهانی می‌شود و بر ساختار اجتماعی تأثیری تعیین‌کننده خواهد داشت. همچنین این مساله کانون‌های مصرف و تقاضاهای تازه‌ای برای انرژی در خاورمیانه، افریقا و یا منطقه خزر شکل خواهد داد و رشد سطح تقاضا را از آنچه هست، بیشتر می‌کند. در چنین فضایی که وابستگی به سوخت‌های فسیلی تا چندین دهه آتی ادامه دارد وابستگی میان کشورهای برای برآوردن انرژی افزایش می‌یابد و به این ترتیب جهان از دوران تک‌قطبی خود خارج شده و بازیگران تازه‌ای که از مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان هم هستند در سامانه تصمیم‌گیری و تدوین سیاست‌هایی که بتواند میان هدف‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و امنیتی نوعی هماهنگی ایجاد نماید، دخالت خواهند داشت.

ایران و امنیت انرژی

ژئوپلیتیک انرژی ایران

کشورهای برخوردار از ذخایر عمده انرژی، اهمیتی راهبردی در سیاست بین‌المللی دارند و همواره از مراکز اصلی تعیین‌کننده روند تحولات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی محسوب می‌گردند (واعظی، ۱۳۸۶: ۴۵). ایران با واقع‌شدن در بیضی استراتژیک انرژی دنیا و با در دست داشتن دومین منابع

نفت و گاز جهان از جایگاه منحصربه‌فردی در امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی برخوردار است و در صورت به کار بردن استراتژی ژئوپلیتیک مناسب، می‌تواند با استفاده از ژئوپلیتیک انرژی ایدئال به وجود آمده، وزن ژئوپلیتیک خود را ارتقا دهد. بالا بردن وزن ژئوپلیتیک، سبب افزایش منزلت ژئوپلیتیک می‌شود. این امر افزایش قدرت ملی که لازمه تأمین منافع ملی و امنیت ملی است، در پی دارد. متخصصان روابط بین‌الملل با استناد به نظریه‌های چون «ثبات مبتنی بر توسعه» اذعان می‌کنند که یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمون در هر عصری کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی بوده است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان صعود و افول قدرت‌های بزرگ را با میزان کنترل آن‌ها بر منابع انرژی و نیز نوع و مقدار مصرف انرژی آن‌ها مرتبط دانست؛ و حتی فراتر از آن حیات و ممت تمدن کنونی بشر با تمامی پیشرفت‌ها و توسعه فناوریانه را حداقل تا زمان دسترسی فراگیر به انرژی‌های جایگزین و مقرون‌به‌صرفه، وابسته به نفت و گاز قلمداد کرد (مهدیان و ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۶). ایران با جای گرفتن در منطقه خاورمیانه و بین دو حوزه سرشار از انرژی یعنی خلیج فارس و دریای مازندران، اهمیت ژئواستراتژیک بسیار دارد و همچون پل پیونددهنده این دو منطقه مطرح است. علاوه بر این، ایران به‌عنوان اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و نزدیک‌ترین گذرگاه گازی کشورهای آسیای میانه به بازارهای جهانی و به‌ویژه کشورهای جنوب آسیا و اروپا محسوب شد و نقش غیرقابل‌انکاری در بازارهای جهانی انرژی داشته و خواهد داشت. از سویی با توجه به موقعیت جغرافیایی پراهمیت ایران، هند، چین و کشورهای اروپایی (علیرغم تحریم‌های ضد ایرانی برخی از این کشورها) بزرگ‌ترین بازار بالقوه گاز طبیعی ایران به شمار می‌آیند. اهمیت موضوع آنجا بیشتر می‌شود که بر اساس پیش‌بینی‌ها، مصرف گاز در مناطق مذکور در دو دهه آینده، به علت نیاز نیروگاه‌های برق و ملاحظات زیست‌محیطی افزایش خواهد یافت. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن احتمال هرگونه تحولی در ساختار نظام بین‌الملل آینده،

بحث اهمیت انرژی و نقش مؤثر ایران در این حوزه برجسته خواهد بود (بهریزی فر، ۱۳۸۵: ۳۴).

بررسی نقش و جایگاه ایران در مسائل (مباحث امنیت انرژی)

بر اساس اداره اطلاعات انرژی آمریکا تقاضای اولیه انرژی جهانی از ۳۴۷/۷ کادریلیون بتا در سال ۲۰۰۶، در حالت پایه ۱/۵ درصد رشد متوسط سالانه تا سال ۲۰۳۰ با ۹۵ درصد رشد به ۶۷۸/۳ کادریلیون بتا خواهد رسید. بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی بیست درصد این افزایش تقاضای جهانی انرژی تا سال ۲۰۳۰ مربوط به کشور چین است. همچنین شورای ملی نفت در ایالات متحده، در تازه‌ترین گزارش منتشرشده خود تحت عنوان «حقایق پیش‌روی سخت در مورد انرژی» پیش‌بینی رشد ۵۰ تا ۶۰ درصدی تقاضای کل انرژی جهان تا سال ۲۰۳۰ در نتیجه افزایش جمعیت جهان به همراه بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی بسیاری از کشورهای در حال توسعه را نشان می‌دهد. بر این اساس این انتظار و احتمال وجود دارد که سهم واردات منابع انرژی فسیلی تا ۸۵ درصد کل واردات انرژی در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد. اکثر پیش‌بینی‌ها و آینده‌نگری‌ها در مورد وضعیت انرژی در آینده جهان، نشان می‌دهند که از سال ۲۰۱۰ به بعد، تقاضا برای نفت اوپک و خاورمیانه رو به فزونی خواهد گذاشت و با رو به اتمام گذاشتن منابع نفتی دریای شمال، آمریکایی شمالی و حتی روسیه، باقیمانده منابع نفتی خاورمیانه در سال ۲۰۲۰ حدود ۸۰ درصد و در سال ۲۰۳۰ حدود ۹۵ درصد ذخایر نفت جهان را تشکیل خواهند داد (مه‌دی‌ان و ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۱). با توجه به آنچه بیان گردید، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دومین دارنده نفت و گاز جهان برای امنیت انرژی جهان از موقعیت قابل‌توجهی برخوردار است. ذخایر عظیم نفتی ایران جزو پنج ذخایر بزرگ دنیا از نظر دوام هستند که با روند تولید کنونی حدود ۸۶۹ سال دوام خواهند آورد. همچنین ذخایر گازی ایران نیز با روند

تولید کنونی بیش از یک صد سال عمر خواهند داشت از سوی دیگر ایران در بازارهای بین‌المللی انرژی نیز استراتژیک دارد. روزانه حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز عبور می‌کند (www.bp.com). جایگاه ژئوپلیتیک انرژی ایران، این موقعیت را برای کشور فراهم آورده که در صورت به کار بردن استراتژی ژئوپلیتیک مناسب در سایه سیاست خارجی هوشمندانه، نه تنها در امنیت انرژی منطقه‌ای بلکه در امنیت انرژی جهانی و نیز امنیت انرژی سازمان‌های بین‌المللی انرژی، نقش مؤثری ایفا نماید.

ژئوپلیتیک انرژی و امنیت ملی ایران

اگرچه دیدگاه کشورها به مقوله «امنیت» متفاوت است، اما به‌طور کلی امنیت ملی به معنای فراهم نمودن بسترها و شرایطی است که کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و رفاه اقتصادی مصون نگه دارد. بر اساس دیدگاه‌های نوین مطرح‌شده در حوزه امنیت، امنیت دیگر در قدرت نظامی صرف خلاصه نشده و حفظ و افزایش امنیت ملی هر کشوری تابع افزایش قدرت ملی در تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی و نیز نظامی در سطح داخلی و در روابط خارجی است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۶). بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان کشوری که دیدگاه‌های منتقدانه به نظم موجود بین‌المللی دارد و به همین دلیل همواره در معرض فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل بوده است، نیازمند تأمین قدرت ملی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی است در جهت کاهش تهدیدات امنیت ملی است. در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران ژئوپلیتیک و به‌ویژه ژئوپلیتیک انرژی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت ملی کشور در دو بعد داخلی و خارجی در فضای کنونی، محسوب می‌شود. دلیل تأکید بر این امر این است که در جهان پرتلاطم امروز آنچه نهایتاً سرنوشت ایران در جهان را رقم زده است، بحث ژئوپلیتیک و به‌ویژه ژئوپلیتیک انرژی است. به‌گونه‌ای که

شاهد برجستگی این سرنوشت ژئوپلیتیک در سیاست خارجی هستیم. از راه‌هایی که ایران می‌تواند بر اساس آن ضریب امنیت ملی خود را ارتقا بخشد، توجه به سیاست خارجی مبتنی بر امنیت انرژی است. دیپلماسی انرژی، انجام مأموریت‌های دیپلماتیک در حمایت از تجارت و بخش مالی در تشویق موقعیت اقتصادی و اهداف کلان توسعه کشور و شامل تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در حوزه انرژی است. مرز آبی طولانی در جنوب و مرز خاکی طولانی در شمال با مهم‌ترین صاحبان ذخایر نفت و گاز، موقعیت ویژه‌ای را برای ایران در ژئوپلیتیک انرژی جهان پدید آورده است. به‌طوری‌که حتی اگر ایران، خود صاحب ذخایر نفت و گاز نبود، بازهم جایگاه سوق‌الجیشی تأثیرگذار در حوزه امنیت انرژی جهان داشت. بر این اساس تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی کشورمان بسیار برجسته بوده و از عناصر اساسی تأمین، حفظ و افزایش سطح امنیت ملی ایران به حساب می‌آید (مهدیان و ترکشوند، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۳).

روندهای آینده امنیت انرژی

مسائل مربوط به تام کن منابع در دستور کار بین‌المللی جایگاه برجسته‌ای خواهند افت. رشد اقتصادی غیرمترقبه که از جهاتی بسیار مثبت است، بر فشارها بر برخی از منابع بسیار راهبردی از جمله انرژی، ادامه خواهد داد. فناوری‌های جدید می‌تواند بار دیگر راهکارهایی تازه مانند گزینه جایگزین مناسب برای سوخت فسیلی طی ابزاری برای غلبه بر محدودیت‌های آب و غذا ارائه کنند. به‌هرحال، همه فناوری‌های کنونی برای جایگزینی معماری انرژی از نظر نوآوری نامناسب هستند و فناوری‌های جدی انرژی احتمالاً تا سال ۲۰۲۵ از نظر اقتصادی معتبر نخواهند بود. روند نوآوری‌های فناوری از اهمیت بالایی برخوردار است. حتی با سیاست‌گذاری و برای بودجه مناسب برای سوخت‌های بیولوژیکی، زغال‌سنگ پاک له لورژن، روند انتقال به استفاده از

سوخت تازه، کند خواهد بود. سابقه بر این بوده است که فناوری‌های عمده تا به سازگاری کامل برسند با تأخیری همراه بوده‌اند. در بخش انرژی، مطالعات تازه نشان داده است که تقریباً ۲۵ سال طول می‌کشد یک فناوری جدی تولیدشده، همکاری شود (www.cic.nyu.edu). با وجود آنچه در شرایط کنونی دور از دسترس می‌رسد، نمی‌توان هم امکان این امر را رد کرد که دوره گذار استفاده از انرژی تا سال ۲۰۲۵ پیش آید و این امر از هزینه‌های تغییرات کلی در زیرساخت‌های انرژی ممانعت به عمل می‌آورد. بالاترین احتمال برای یک دوره گذار سریع در این دوره از منابع بهتر تجدید پذیر مانند باد و انرژی نوری و بهبود فناوری باتری‌ها حاصل می‌شود. با وجود این فناوری‌ها، موانع هزینه‌های زیرساختی برای طرح‌های انفرادی کمتر خواهد بود و به بسیاری از عوامل کوچک اقتصادی امکان می‌دهد تا طرح‌های تغییر انرژی را که به‌طور مستقیم به منافع آن‌ها مرتبط باشد، اجرا کنند. به‌عنوان مثال، سلول‌های سوختی ثابت برای تأمین برق ادارات و منازل، خودروهایی که باتری‌های آن‌ها قابل شارژ هستند، انرژی را بار دیگر به مدار، باز می‌گردانند. همچنین در گزارش روندهای ۲۰۲۵ موضوع مهمی تحت عنوان احتمالات نظامی شدن امنیت انرژی مورد بررسی ویژه قرار گرفته است:

احتمالات نظامی شدن امنیت انرژی شامل موارد زیر می‌شود:

۱- کشورهایی که از منابع عمده انرژی برخوردارند از آن به‌عنوان سلاحی برای قدرت سیاسی و نفوذ استفاده نمایند. روسیه به دنبال آن است که کنترل عرضه انرژی و شبکه حمل‌ونقل آن از اروپا تا آسیای شرقی را در دست گیرد. این امر به مسکو این توانایی را خواهد داد تا از کنترل خویش بر جریان انرژی به‌عنوان ابزاری برای افزایش منافع و نفوذ خود استفاده نماید (www.cic.nyu.edu). تهدیداتی که توسط تروریسم و حمله به تأسیسات انرژی متوجه تولید و حمل انرژی است:

جهت‌گیری‌های علنی رهبران القاعده حاکی از آن است که تروریست‌ها علاقه‌مند به حمله به تأسیسات نفتی خلیج فارس هستند. حفاظت از خطوط لوله انرژی، تأسیسات و در امان ماندن از حملات تروریستی دغدغه عمده و مأموریت ویژه نیروهای نظامی خواهد بود.

ناآرامی داخلی و منازعه کشورهای استراتژیک تولید و صادرکننده انرژی:

خسوت‌های قومی و سیاسی و اقدامات جنایی اخیراً تهدید عمده‌ای برای تولید نفت در نیجریه بوده است. ناکامی کشورهای عمده تولیدکننده انرژی در مهار این بحران‌ها احتمالاً موجب دخالت نظامی قدرت‌های خارجی برای ثبات عرضه انرژی شود. نگرانی درباره اطمینان از دسترسی به عرضه نفت و انرژی موجب شکل‌گیری رقابت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای فزاینده‌ای شده است (Curry, 2011: 105).

توسعه و رشد شبکه‌های جنایتکار فراملی و امنیت انرژی

ایجاد شکاف در ساختار نظام بین‌الملل و ازهم‌پاشیدگی آن موضوعی است که با توسعه و رشد شبکه‌های جنایتکار فراملی در مدیریت منابع جهان بخصوص انرژی جهانی، معادن و دیگر بازارهای راهبردی علاوه بر مداخله سنتی آن‌ها در قاچاق مواد مخدر، ایجاد می‌شود. افزایش تقاضا برای انرژی در سراسر جهان فرصت‌های لازم برای جنایتکاران به وجود می‌آورد تا فعالیت‌های خود را از طریق رابطه مستقیم با تأمین‌کنندگان انرژی و سران کشورهای که تأمین‌کنندگان انرژی در آن واقع هستند، توسعه دهند. از آنجا که تأمین انرژی بیشتر در کشورهایی است که دارای حکومت ضعیف هستند و فساد از مدت‌ها قبل در آنجا جاری است و به خاطر نبود حاکمیت قانون، احتمال نفوذ جرائم سازمان‌یافته در این کشورها زیاد است (Curry, 2011: 105). فعالیت‌های

غیرقانونی و جرائم سازمان یافته در بخش انرژی به شرکت‌های صاحب نفوذ امکان می‌دهد که از امتیازهای رقابتی ناعادلانه‌ای در بازار انرژی جهانی برخوردار باشند، احتمال رخنه شبکه‌های مجرم شاید در بازارهای اوراسیایی در بالاترین حد باشد که در آن جرائم سازمان یافته بخشی نهادینه شده از محیط سیاسی و اقتصادی بوده و به مرور زمان شخصیت‌های مجرم به تجار بانفوذ بدل گشته و از شرکای ارزشمند مقامات رسمی شوند. همان گونه که تأمین کنندگان انرژی در روسیه و اوراسیا به بازارهای عمده اروپا و آسیا دست پیدا می‌کنند، انتظار ما این است که این شبکه‌های سازمان یافته جنایی عملیات خود را گسترش داده و فساد بیشتری ایجاد کرده و تدوین سیاست‌های خارجی را از جمله مزیت‌های خود قرار دهند. با گذشت زمان، با توجه به دسترسی کامل آن‌ها به ادارات دولتی و اتاق‌های هیئت‌رئیس شرکت‌ها، این جنایتکاران می‌توانند در موقعیتی قرار گیرند که کشور را در دست گرفته و بر اقدامات بازار تأثیرگذارند، اگر نگوئیم بر سیاست‌های خارجی تأثیرگذار خواهند بود. برای بسیاری از کشورهای غنی از منابع، درآمدهای ناشی از انرژی اساس اقتصاد کل و سیاست‌های انرژی آن کشور را تدوین می‌کند و در تصمیمات سیاسی نیز نقش مهمی خواهد داشت.

وضعیت انرژی و تغییرات آب و هوایی

وضعیت بخش انرژی تحت فشار، پیچیده‌تر شده و در موارد بسیاری توسط تغییرات آب و هوایی بدتر خواهد شد که تأثیرات فیزیکی آن، تمام دوره را وخیم‌تر خواهد کرد. افزایش مستمر نیاز به انرژی تأثیرات تغییرات آب و هوایی را تسریع خواهد بخشید. از سویی دیگر، کاهش بالاجبار استفاده از سوخت‌های فسیلی قبل از آماده شدن جایگزین آن‌ها می‌تواند توسعه پایدار اقتصاد را در کشورهایی نظیر چین که هنوز صنایع آن‌ها به سطوح عالی بهره‌وری انرژی نرسیده‌اند، تهدید کند. پیشرفت‌های فناورانه و تصمیم‌های

راهبردی در جهان درباره ضایعات گازه‌های گلخانه‌ای در طی ۱۵ سال آینده احتمالاً این موضوع را مشخص خواهد کرد که آیا دمای زمین بیشتر از ۲ درجه افزایش خواهد یافت یا نه؛ آستانه‌ای که ورای آن، تأثیرات غیرقابل مدیریت خواهند بود. علیرغم افزایش تعداد پروژه‌های مربوط به خطوط لوله، در سال ۲۰۲۵ کشورهای آسیایی وابسته به صدور نفت توسط کشورهای تولیدکننده در خاورمیانه خواهند بود. این امر باعث افزایش نگرانی‌هایی درباره آینده امنیت دریایی در منطقه‌ای است که از خلیج فارس تا شرق و آسیای جنوب شرقی گسترده است (Global Trends 2025).

منازعات آینده در حوزه انرژی

افزایش نیاز کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه برای انرژی ممکن است فراوانی، قابل‌اتکا بودن و عرضه انرژی را با مشکل مواجه سازد. این وضعیت باعث افزایش تنش میان کشورهایی می‌شود که بر سر منابع محدود انرژی باهم در رقابت هستند، مخصوصاً اگر این امر همواره با آشفتگی‌های سیاسی در خاورمیانه و عدم اعتماد عمومی به توانایی بازار برای عرضه متناسب با تقاضاهای فزاینده باشد. دورنمای کاهش انرژی کشورها را متوجه آن خواهد ساخت که اقدامات و تدابیر لازم را در خصوص اطمینان از دستیابی به عرضه انرژی در آینده تحقق بخشند. در بدترین سناریو، این امر ممکن است به منازعات درون کشوری بینجامد در صورتی که رهبران حکومتی نتوانند به منابع انرژی ضروری برای حفظ ثبات داخلی و بقا رژیم دست یابند. با این وجود اقدامات غیرجنگی هم دارای تأثیرات مهم ژئوپلیتیک خواهند بود، زیرا کشورها استراتژی‌هایی را در پیش می‌گیرند که مانع از آن شوند که عرضه موجود انرژی نتواند جوابگوی تقاضای فزاینده شود. ملاحظات مربوط به امنیت انرژی کشورهایی مثل چین و هند را ترغیب می‌کند تا سهام مهم میدان‌های انرژی را خریداری نمایند و رقابت‌های در حال دگرگون به‌شدت توسط توانایی‌های

سیاست خارجی هند در قبال غرب آسیا... ۱۶۳

نظامی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرند که این مساله احتمال افزایش تنش‌ها و منازعات را بالا می‌برد. کشورهایی که از کمبود منابع انرژی رنج می‌برند ممکن است از انتقال تسلیحات و فناوری‌های مهم و اتحادهای سیاسی و نظامی به‌عنوان ابزار فشاری جهت برقراری روابط استراتژیک با کشورهای برخوردار از انرژی استفاده نمایند. اما گزارش ۲۰۱۵ هم منازعات آینده را مورد بررسی قرار داده است، از این منظر ایالات متحده همچنان به‌عنوان پیشرفته‌ترین کشور در زمینه «اطلاعات عرصه نبرد» فنآوری اطلاعات و همچنین جنگ‌افزارهای دقیق هدایت‌شونده باقی خواهد ماند. در آینده آمریکا با سه گونه از تهدیدات مواجه خواهد شد:

الف - تهدیدات نامتقارن، طوری که دولت‌ها یا گروه‌های معاند با آمریکا تلاش خواهند نمود با آمریکایی‌ها به‌طور مستقیم درگیر نشوند.

ب - احتمال درگیری میان کشورهای توسعه‌یافته ضعیف است. جامعه بین‌المللی همچنان به فعالیت‌های ادامه خواهد داد، هرچند که میزان رویارویی با منازعات متفاوت خواهد بود. پتانسیل منازعه در آسیا از رقابت میان دولت‌ها ناشی می‌شود و شامل درگیری هند - پاکستان یا چین - تایوان و درگیری در منطقه خاورمیانه است. قابلیت به کار بردن تسلیحات کشتار جمعی و استفاده از سامانه‌های موشکی دوربرد و سایر فنآوری‌ها بر میزان کشتارهای ناشی از جنگ می‌افزاید.

ج - درگیری‌های داخلی به جهت‌گیری منازعات قومی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی در همین سطح باقی می‌ماند و یا در حد کمی افزایش خواهد یافت. برای کاهش این منازعات سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای وارد عمل خواهند شد.

د - رژیم‌های کنترل صادرات و تحریم، از میزان تأثیرگذاری‌شان کاسته خواهد شد. این امر در نتیجه تحول در فنآوری، رسوخ‌پذیری مرزها، روابط و اتحاد میان صنایع دفاعی در سرتاسر جهان و ایجاد بازارهای جهانی، ایجاد خواهد شد.

به‌طور کلی روند کنترل و نظارت بر انتقال فناوری‌های تسلیحاتی و ارتش‌ها بسیار مشکل خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مباحث پژوهش، آنچه اهمیت دارد بحث امنیت انرژی و نقش مهم آن در قدرت ملی یک کشور و تعاملات سیاست بین‌المللی است. انرژی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین محورهای توسعه در کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده مطرح است. دلیل پرداختن به نوشتار حاضر این است که امنیت انرژی دارای پتانسیل بالقوه‌ای برای وقوع منازعات آینده در شکل جهانی، منطقه‌ای و حتی قومی و گروهی است. با توجه به تأکیدی که در میان روندهای امنیتی در این پژوهش نسبت به بحث جنگ‌های آینده وجود دارد، مطرح‌شدن بحث امنیت انرژی به‌عنوان یکی از فرآیندهای منجر به ناامنی در آینده ضروری می‌نمود. برای تبیین هرچه بهتر بحث در ابتدا مقوله امنیت انرژی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه امنیت انرژی و امنیت بین‌الملل و پیوند این دو حوزه ارزیابی گردید. همچنین در این نوشتار، موضوع ایران و امنیت انرژی مطرح شد. مباحثی مثل نقش و جایگاه ایران در مباحث امنیت انرژی و ژئوپلیتیک انرژی ایران ذیل این گفتار بررسی گردید. به‌طور کلی آنچه در این نوشتار مورد اشاره قرار گرفت، این بود که با توجه به غیرمحمتمل بودن جایگزینی مناسب برای سوخت‌های فسیلی، اهمیت این منابع همچنان به قوت خود باقی است و افزایش نیاز قدرت‌های صنعتی در آینده به انرژی بر اهمیت آن می‌افزاید. احتمالات مختلف در مورد نظامی شدن حوزه انرژی و تغییرات آب و هوایی و مسائل انرژی و از همه مهم‌تر، گسترش رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر تسلط بر منابع استراتژیک انرژی باعث گردیده که این موضوع در اینجا به‌گونه‌ای تحلیلی‌تر مورد بررسی قرار گیرد. در فضای مذکور، نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران با توجه به قرار گرفتن در مرکز تحولات و تعاملات انرژی بسیار

حائز اهمیت است. در نهایت، با توجه به موارد ذکر شده، سناریوهایی تا سال ۲۰۲۵ محتمل است که به شرح ذیل است:

۱- تحریم‌های بین‌الملل در حوزه انرژی به‌گونه‌ای جدی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه استراتژیک آن را در عرصه امنیت انرژی به خطر می‌اندازد.

۲- اتخاذ تعاملات سیاسی مثبت بر اساس احترام و اعتماد متقابل می‌تواند باعث مرتفع شدن مشکلات آینده امنیت انرژی و به تبع آن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گردد.

۳- اهمیت انرژی و امنیت آن تا سال ۲۰۳۰ و بعد از این مقطع نیز همچنان در کانون توجه بین‌المللی قرار خواهد گرفت.

۴- بعید به نظر می‌رسد که تحولات منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه عربی باعث تهدید حوزه امنیت انرژی در آینده گردد.

۵- نوسان در تعیین حوزه‌های نفوذ قدرت‌های مرکزی نظام بین‌الملل جدی‌ترین مساله‌ای است که وقوع جنگ‌های آینده با ماهیت اطلاعاتی را فراهم می‌سازد.

۶- اصطکاک منافع میان قدرت‌های مرکزی نظام بین‌الملل باعث ایجاد فضای لازم جهت گسترش دامنه منافع جمهوری اسلامی ایران فراتر از مرزهای منطقه‌ای خواهد شد.

منابع

فارسی

- گوده، میشل (۱۳۸۷). از پیش بینی تا چشم انداز راهبردی، ترجمه محمدرضا صالح پور، برنامه و بودجه، ضمیمه شماره ۱۱.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، بررسی مفهوم تازه امنیت در سیاست تازه بین الملل، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۵ و ۶.
- راهنمایی برای آشنایی با ادبیات آینده پژوهی (۱۳۸۳)، جل دال، ترجمه دفتر سیاست پژوهشی فناوری دفاعی - موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۵). دانش واژه آینده پژوهی، ترجمه محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی. نشر موسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- پایا، علی و راغفر، حسین (۱۳۸۳). معرفت شناسی، روش شناسی و کاربردهای آینده پژوهی. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین کارگاه آینده پژوهی. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- مختاری، حسین و نصرتی، حمیدضا (۱۳۸۹)، امنیت انرژی و موقعیت ژئواثری ایران، ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره ۲.
- میچیچ، پرو (۱۳۸۷). آینده پژوهی و مدیریت آینده در سی دقیقه. ترجمه عبداللّه حیدری، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، حوزه توسعه توسعه کاربرد فناوری های پیشرفته، مرکز آینده پژوهی و اطلاع رسانی.
- بررسی تطبیقی و ترازایی در نظام های آینده پژوهی شش کشور (۱۳۸۶). پیشنهاد نظام مناسب برای آینده نگری در ایران.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۶). نواندیشی برای هزاره نوین: مفاهیم، روش ها و ایده های آینده پژوهی، مترجمین: عقیل ملکی فر، سید احمد ابراهیمی، وحید وحیدی مطلق. مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- مرادی، حجت الله (۱۳۸۶)، آینده پژوهی، مفاهیم و روش ها، سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۳۶.

سیاست خارجی هند در قبال غرب آسیا... ۱۶۷

رواستر، فرانک و لاو، سالاریس (۱۳۸۶). ارتباط امنیت انرژی و سیستم بین الملل.

ترجمه عسگر قهرمانپور، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۲.

مهدیان، حسین، تراکشوند، جلال (۱۳۸۹). انرژی و امنیت انرژی ایران. تهران: نشر

انتخاب.

واعظی، محمود (۱۳۸۶)، تحولات جهانی در عرصه انرژی و موقعیت ایران، همشهری

دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۲.

بهریزی فر، مرتضی (۱۳۸۵)، هند و چین، بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران. تهران:

موسسه مطالعات بین المللی انرژی.

References

Polak, F. (1961). The Image of the Future. Translated by Elise Boulding. Elsevier Scientific Publishing Company, p.161

Cornish, Edward (1997). The study of The Future (an Introduction to The art and science of understanding and shaping Tomorrow World, Maryland: published by: World Future Society, pp.31-38.

Rescher, Nicholas (1998). Predicting The Future (an Introduction to the Theory of Forecasting), New York, published by: State University Press.

Bell, Wendell (1998). "The University of Time perspective", Foundations of Futures Studies, vol. 1, p.2.

Dannreuther, Roland (2003). Asian Security and China Energy Need- International Relations of Asia- Pacific, Oxford University Press, Vol.3, and P.14

Slaughter, R. (1996). New Thinking for a New Millennium, J. Dator. Chapter 4, "Futures Studies as Applied Knowledge", Routledge.

Curry, Andrew (2011). Trends: 10 Global Trends in 2020, www. The futures company.com

Global Trends 2025: A Transformed World, Op. Cit

www.wyrdology.com/other/futurology.html

<http://www.ru.org/future-studies>

http://www.irrt.ir/articles/future_studies/future_study_in_iran_japan.php

www.irna.ir/fa/news/menu

[http://www.csr.ir/departments.Aspx? Ing= fa and abtid= 07 and depid= 44 and semid=850](http://www.csr.ir/departments.Aspx?Ing=fa&and_abtid=07&and_depid=44&and_semid=850)

BP Statistical review of World Energy 2009, pp.5- 6. (www.bp.com)

http://www.cic.nyu.edu/internationalsecurity/docs/NIC_final.pdf, Global Trends 2025: A Transformed World, pp.60-65